

بسم الله الرحمن الرحيم

موضوع: نقش خانواده در تسهیل ازدواج فرزند

گروه: صاحب الزمان

محبوبه فاتحی، مطهره علیدادی

چکیده:

پدر و مادر چنانچه در اصل انتخاب همسر نقش مهمی دارند در تحکیم بنیاد زناشویی نیز می توانند نقش مهمی داشته باشند. دین اسلام تاکید زیادی بر سادگی و بی آلایشی ازدواج دارد و از تشریفات زیاد نهی می کند.

برخی از مردم ازدواج را که یک صحنه پاک و لطیف وجودانی و روحی و یک امر عاطفی و انسانی است را به صحنه‌ی تفاخر تبدیل می کنند و از کلان بودن جهیزیه و سال عقد و عروسی صحبت می کنند و آنرا به رخ هم می کشند. بعد ها هم این اتفاقات باعث می شود که دختر و پسر عادت کنند زندگی را بر پایه تجمل و تشریفات بگذارند. غافل از اینکه چه خطرات سهمگینی دامن گیرشان خواهد شد. در این مقاله سعی شده است تا به صورت کوتاه به نقش والدین در سهل گیری ازدواج فرزندانشان پرداخته شود.

کلیدواژه: ازدواج، تسهیل، خانواده، فرزند

ازدواج سنتی است بسیار مقدس و مفید که مورد قبول انسان‌ها در طول تاریخ بوده است و ترک ازدواج یک امر غیر متعارف و خارج از سنت اجتماعی محسوب می‌شود. ازدواج فواید و منافع زیادی دارد که از آنها می‌توان به کسب استقلال و انس و آرامش، حفظ عفت و مصونیت از گناه آرامش و تعادل اعصاب، تعاون در اطاعت و نیل به ثواب، تولید و تکثیر نسل، سلامت و امنیت اجتماعی و لذت جویی‌های جنسی اشاره کرد. سن ازدواج سن بلوغ پسر و دختر است. سن ازدواج برای دختران ۱۴ الی ۱۵ سالگی و برای پسران ۱۷ تا ۱۸ سالگی است. ازدواج همان گونه که منافع و فوایدی دارد با موانعی هم روبروست. همه جوانان به تشکیل خانواده و ازدواج علاقه دارند و غریزه جنسی آنها در اقدام به این امر دعوت می‌کند و باید هرچه زودتر خواسته طبیعت را اجابت کنند و کانون گرم خانواده را تشکیل دهنند. (جوانان و ازدواج، انتشارات نو اندیش، ۱۳۹۷، ص ۶۸). اصل ازدواج زن و مرد هستند که در خطبه عقد عهد زندگی مشترک می‌بنند که در اداره کردن زندگی با هم همکاری کنند و تا آخر عمر نسبت به هم وفادار باشند. مرد به اندازه امکاناتش چیزی یا مبلغی به عنوان صداق تقدیم به همسرش می‌کند که مهر و صداق نامیده می‌شود. موانع ازدواج در دهه‌های اخیر این موارد هستند عقد و عروسی سنگین، مهریه‌های سنگین، جهیزیه‌های مفصل، منزل جدا و مستقل. ریشه اکثر موانع این قید و بند‌های غیر ضروری است که تا پاره نشوند مشکلات و موانع ازدواج کنار نخواهد رفت.

نظر دین اسلام در مورد ازدواج

دین اسلام تاکید زیادی بر سادگی و بی آلایشی ازدواج دارد و از تشریفات زیاد نهی می کند. اکنون به روایت یک ازدواج در دوران صدر اسلام می پردازیم.

جبیر یک جوان سیاه پوست بود که نزد پیامبر (ص) آمده بود اوایل در مسجد زندگی می کرد بعدها گفتند که شبها نباید در مسجد خواهید پس اطراف مسجد سایبانی ساختند که به آنها صفحه می گفتند و او نیز در آن مکان زندگی می کرد. یک روز پیامبر برای رسیدگی به وضع اصحاب صفحه به آنجا آمد از روی مهربانی نگاهی به او انداخته و فرمود: ((ای جبیر خدا به برکت اسلام بالانشینان دوره جاهلیت را به پایین کشید و زیرستان به ظاهر بی ارزش را به مقامات بالا رسانید.))

در میان افراد بشر آن کسی نزد خدا محبوب است که اطاعت شن نسبت به دستورهای خداوند متعال بیشتر باشد. ای جبیر من هیچ یک از مسلمانان را برتر از تو نمی دانم مگر با تقواترین آنها نسبت به تو. ای جبیر اکنون به خانه زیاد بن لیبه رئیس طایفه بنی بیاضه برو و به او بگو آن حضرت از تو می خواهد دخترت دلفا را به همسری من درآوری.

جبیر به همراه طایفه اش به خانه زیاد رفت و پیام پیامبر را به او رسانید. زیاد گفت: ((ای جبیر ما هرگز دختران خود را جز به همسری جوانان انصار که هم ردیف خودمان باشند در نمی آوریم.)) من خودم عذرم را به پیامبر می رسانم . جبیر وقتی از خانه بیرون آمد گفت: ((این شیوه شیوه رسول اکرم نیست)). دلفا که از پشت پرده شاهد ماجرا بود ، پدر خود را به پشت پرده فرادخواند و گفت: ((جوییر کسی نیست که به پیامبر دروغ بیند)).

زیاد فوراً یک نفر را به دنبال جبیر فرستاد او را به خانه بازگرداند و با او خوش رفتاری کرد؛ و خود به محض رسول خدا رفت و گفت: ((ای رسول خدا جبیر از سوی شما پیغامی آورد و خواستار ازدواج با دلفا شد خواستم به عرض برسانم که رسم ما بر این است که تنها به پسران انصار دختر می دهیم . پیامبر اکرم فرمود: ((ای زیاد جبیر مردی با ایمان است و هر مرد مومنی همتا و هم ردیف زن مومن است دخترت را به ازدواج او درآورد و از این امر سرپیچی نکن.))

این ازدواج صورت گرفت اما جبیر در شب زفاف با همسرش همبستر نشد و شب دوم و سوم هم همینطور گذشت و جبیر تمام شب به عبادت می پرداخت. جریان را به پدر دلفا گفتند و ماجرا به گوش پیامبر رسید پیامبر جبیر را خواست و از او پرسید: ((مگر به همسرت علاقه نداری؟ چرا با او هم بستر نمی شوی و پیوسته به نماز و عبادت مشغولی؟))

جوییر گفت: ((یا رسول الله وقتی به خانه قدم گذاشت خانه ای زیبا با اسباب و لوازم زندگی و همسری جوان و زیبا و معطر یافتم شب های قبل را به یاد می آوردم که غریبانه و تهی دست در صفحه یا مسجد زندگی می کردم برای این همه

نعمت که خدا به من عطا کرد تصمیم گرفتم سه روز روزه بگیرم و شبها به عبادت بپردازم و از امشب زندگی خود را آغاز خواهم کرد و پیامبر موضوع را به زیاد گفت و از آن پس جبیر و دلفا به خوبی کنار هم زندگی کردند. (خانواده، مرکز صبا، چاپ ۱۸، ۱۳۹۳ ص ۱۰۲).

بیشتر مردم چند میلیون یا میلیارد مهریه را می‌گذارند و این به این معناست که ازدواج را که یک امر انسانی به یک دادوستد و یک کار بازاری و معامله گری تبدیل می‌کنند که این کار بسیار غلطی است و به عبارتی توهین به نقش و شان انسانیت و ازدواج است.

برخی از مردم ازدواج را که یک صحنه پاک و لطیف وجودانی و روحی و یک امر عاطفی و انسانی است را به صحنه‌ی تفاخر تبدیل می‌کنند و از کلان بودن جهیزیه و سال عقد و عروسی صحبت می‌کنند و آنرا به رخ هم می‌کشنند. بعد ها هم این اتفاقات باعث می‌شود که دختر و پسر عادت کنند زندگی را بر پایه تجمل و تشریفات بگذارند. برخی از افراد گمان می‌کنند جهیزیه دختر و مهریه ای که پسر تعیین می‌کند سرمایه است و می‌پرسند جهاز دختر شما که به خواستگاریش آمده ایم چقدر است؟ یا اینکه شما که به خواستگاری دختر ما آمده اید چقدر مهریه تعیین می‌کنید؟

این مانند این می‌ماند که آنها با یکدیگر معامله اجناس بکنند یا مثلاً کاسبی اینگونه رفتارها درست نیست این معامله یک معامله قلبی و انسانی است معامله دل و عواطف است. هر چقدر جنبه‌ی معنوی اش بیشتر باشد به نفع خانواده است. برخی از دختر و پسرها هنگامی که ازدواج می‌کنند به خاطر پولداری و بی‌بند و باری بعضی‌ها احساس کمبود و غصه و عقده می‌کنند احساس می‌کنند چیزی کم دارند احساس سرکوفت می‌کنند.

برخی ازدواج‌ها به خاطر همین اضطراب‌ها و چشم و هم چشمی‌ها عقب می‌افتد و برخی اصلاً ازدواج نمی‌کنند. اگر اسراف کردیده‌م به خودتان ضرر زده‌اید هم به مردم دیگر هم به جوان‌ها ضربه زده‌اید هم خودتان را از چشم پیامبر انداخته‌اید از چشم و لیعصر انداخته‌ای و به خاطر همین توصیه می‌کنیم که مراسمات عقد و ازدواج را ساده برگزار کنید. هزینه‌های عقد و عروسی را کم کنید این گونه می‌توانید روی رهن و اجاره خانه‌تان بگذارید و خانه بهتری بگیرید.

فرهنگ غربی پایه اصلی زندگی را تجملات گذاشتند مردم را درگیر مدد و آرایش‌های هفت قلم و..... کردند و این گونه مسائل با سنت اسلام ما در تضاد است ارزش و مقام زن ایرانی به لباس و زیبایی ظاهرش نیست بلکه به باطن زیبایی اوست. درست نیست عده‌ای مصارف یهوده کنندو عده‌ای نان برای خوردن نداشته باشند بهترین زنان زنانی هستند که از خودشان اراده و خرد و تصمیم درست انسانی نشان داده‌اند. (خانواده، مرکز صبا، چاپ ۱۸، ۱۳۹۳، ص ۸۷)

علم و دانش برای انسان یک کمال و برای همسر یک مزیت است با فرد باسواند زودتر می‌شود به تفاهم رسید و برنامه‌های بهتری برای آینده ریخت. مtasفانه مدارس و دانشگاه‌ها در کشور ما درس زندگی نمی‌دهند.

۵. سلامت جسم

سلامت جسم از نعمت‌های بزرگ الهی و از مزایای یک همسر است در روایت است با کسانی که بیماری‌های مسری دارند ازدواج نکنید البته ازدواج با ایثارگران جانباز لیاقت و شایستگی و از خود گذشتگی می‌خواهد.

۶. تناسب سنی

انسان در سنین مختلف حالات متفاوت دارد تمایلات جنسی نیز در هر سن یکسان نیست پس باید بین سن دختر و پسر تفاوت فاحش نباشد که زندگی را با مشکلاتی روبرو می‌کند.

نکات مهم در خواستگاری

دختر خانم‌های عزیز خواستگار خود را اینگونه امتحان کنید و بفهمید که:

۱. آیا خوش قول است؟ وقتی قرار است شما را از خانه به رستوران ببرد اگر کارش به گونه‌ای بود که دورتر از موعدی که به شما گفته است می‌آید آیا تاخیرش را از طریق تماس به شما گزارش می‌دهد یا می‌گوید چون در خانه است ایرادی ندارد.

۲. صداقت دارد؟ سعی کنید در گفته‌ها و سخن‌هایش دقت فراوان داشته باشید که بفهمید آیا حاضر است با دروغ گفتن کارهایش را پیش ببرد یا خیر؟

از خواستگارتان پرسشی کنید و او را بر سر دوراهی قرار دهید به گونه‌ای برایش وانمود کنید که اگر دروغ بگویید نجات پیدا می‌کنید و اگر حقیقت را بگویید به ضررتان پایان می‌یابد اگر خواستگارتان به شما نجات پیدا کردن از طریق دروغ را توصیه کرد بفهمید که او هم در شرایط سخت و بحرانی دروغ گفتن را انتخاب خواهد کرد.

۳. مستقل است؟

از اینکه در دوران تحصیل در دانشگاه کار می کرده است یا والدینش او را ساپورت می کرده اند سوال پرسید اینکه آیا ولخرج است یا اینکه عقل معاش دارد؟ برای جلب توجه شما بیش از اندازه خرج می کند تا خود را لارژ نشان دهد یا این گونه نیست.

۴. احساس مسئولیت می کند یا نه؟

احساس و نظرش راجع به دوستانش و فامیل هایش پرسید که اگر مشکلی داشتند که در حد توانش بود به آنها کمک می کند یا این کار را حاضر نیست بکند. بفهمید که چند دوست داشته و آیا هنوز به آنها ارتباطی دارد یا آنها را از دست داده است. سعی کنید با دوستانش آشنا شوید تا درباره خلقيات خواستگاران بیشتر مطلع شوید.

۵. چه هدف هایی برای آینده دارد؟

از او پرسید می خواهد چه کاره شود یا اگر شغلی دارد تا کجا می خواهد جلو برود؟ موفقیت را ناشی از پشتکار و تلاش می داند یا اعتقاد دارد هر کس به مقامی رسیده است با نفوذ و کمک دیگران بوده است. برای رسیدن به هدف های خود اهل مشورت است یا طرح و نقشه ای برای آنها دارد یا می گوید اصلاً نیازی به این کارها نیست.

۶. اخلاقش چگونه است؟

آیا برای اثبات حرف های خود به خشونت متولی شود؟ تا به حال برای شما تعریف کرده که فلاانی را چنان تنبیه کردم که دیگر نتوانست سرش را پیش کسی بلند کند. توجه کنید موقع رانندگی زیاد بوق می زند یا به آرامی رانندگی می کند؟ عفت کلام دارد یا نه؟ و....

۷. آیا ایمان دارد؟

انسانی که مومن معتقد و پاییند به هیچ اصولی نیست به درد همسری نمی خورد و زوج خوبی برای همسرش نمی شود پس شما باید ایمان و تقوای همسرتان را با دقت مورد بررسی قرار دهید.

ناید های خانواده ها

خانواده ها نباید به هیچ وجه در زندگی فرزندانشان دخالت کنند خانواده پسر سعی می کنند به هر طریقی عروس را از چشم داماد بیندازند و دوست دارند پسرشان استقلال نداشته باشد عیب های عروسشان را بزرگ می کنند و به تهمت و

افترا متousel می‌شوند و با نيرنگ و حيله پسر را به آزار و اذیت همسرش تشویق می‌کنه و به عروشان بی‌احترامی و توهین می‌کنند در حضور او از دختران و زنان دیگر تعريف و تمجيد می‌کنند و خوبی‌های آن‌ها را به رخ عروشان می‌کشنند.

این نوع پدر و مادرها بزرگترین خیانت را به فرزندانشان می‌کنند و باعث طلاق فرزندانشان می‌شوند و آرامش را از فرزندانشان می‌گیرند و کانون گرم زندگی را به جهنم تبدیل می‌کنند این خانواده‌ها هم به فرزندانشان خیانت می‌کنند هم به همسر مظلومش و یک خانواده را متلاشی می‌کنند و احياناً چندین فرزند را بدبخت می‌کنند. (جوان و همسر گرینی، موسسه بوستان کتاب، ۱۳۸۹، ص ۱۵۸).

عروس و دامادها باید استقلال خود را حفظ کنند و مشکلاتشان را حل کنند و با هم به تفاهم برسند. اگر خانواده‌ها از همسرتان بدگویی کردند تحت تاثیر آنها قرار نگیرید و فریب نخورید زیرا اگر دلسوزتان بودند مشکلتان را حل می‌کردنده نه اینکه به مشکلتان دامن بزنند و زندگی را به کامتان تلخ کنند. باید بگویید پدر و مادرم به گردنم حق دارند همانطور که خانواده بر گردن شما حق دارند همسر هم به گردن شما حق دارد زیرا او با هزاران امید با شما ازدواج کرده تا دور از دخالت دیگران با شما زندگی آسوده و مستقل داشته باشد. بی شک دختر و پسر بعد از ازدواج باید در داشتن استقلال و عدم وابستگی تلاش و جدیت نمایند و خانواده‌ها باید به آنها آزادی عمل دهند تا اداره امور زندگی را به عهده بگیرند عدوس و داماد در زندگی باید از تجارب پدر و مادرشان استفاده کنند.

پایان کلام اینکه اگر خانواده عروس و داماد در تهیه منزل تعاون و تشریک سالمی داشته باشند می‌توانند منزلی هر چند کوچک و ارزان قیمت تهیه کنند در این وضعیت از پرداخت اجاره راحت می‌شوند و زندگی آنها استوار می‌گردد. در آینده اگر استطاعت مالیدپیدا کردنند می‌توانند منزلی بزرگتر بخرند.

نقش پدر و مادر در ازدواج فرزند

پدر و مادر چنانچه در اصل انتخاب همسر نقش مهمی دارند در تحکیم بنیاد زناشویی نیز می‌توانند نقش مهمی داشته باشند. (ازدواج و خانواده، چاپ مینایی، چاپ ۳، ۱۳۹۱، ص ۹۷) خانواده‌ها را می‌توان به عنوان پشتونه ازدواج محسوب داشت. عروس و داماد در ابتدای زندگی اغلب از آین همسرداری بی اطلاعند چون بی تجربه و کم اطلاعند اغلب با اختلاف سلیقه و پاره‌ای از مشکلات اخلاقی و اجتماعی مواجه می‌شوند که ممکن است روابط خانواده را تیره کند و اساس آنرا در معرض خطر قرار دهد.

ابتدا ازدواج دوران بسیار حساس است. در این دوران زوجین خواهان نوعی سلطه جویی هستند که گاه به لجایزی و کشمکش می‌انجامد و بنیاد ازدواج را در معرض خطر قرار می‌دهد به همین خاطر به یک مشاور عاقل و خیر اندیش و با تجربه نیاز دارند. بهترین کسانی که می‌توانند این نقش را ایفا کنند خانواده عروس و داماد هستند اگر آنها با تدبیر و خردمند باشند می‌توانند بزرگترین خدمت را به این عروس و داماد انجام دهند و در حل مشکلات به یاری شان بیایند.

بالعکس اگر خودخواه و نادان باشند به اختلافات و ناسازگاری دامن زده و فتنه انگیزی می‌کنند و باعث دعوا و درگیری و حتی جدایی خواهند شد. به همین دلیل خانواده فهمیده نعمتی بزرگ محسوب می‌شود که به وقت خواستگاری باید مورد توجه قرار گیرد. بخاطر همین به خانواده عروس توصیه می‌کنم به دخترانشان بگویند که با شوهرشان بسازد و به آن احترام بگذارد و از خانواده‌ها خواستارم که در زندگی زوجین دخالت نکنند و بگذارید با رفتار یکدیگر آشنا شوند و با هم به تفاهم برسند. به خانواده عروس توصیه می‌کنم به دامادتان احترام بگذارید و شخصیت او را گرامی بدارید و هیچ وقت به او توهین نکنید؛ عیوب کوچک او را بزرگ و غیرقابل تحمل جلوه ندهید. هیچ موقع دخترتان را به بلند پروازی و توقعاتی بیجا و بهانه جویی تشویق نکنید.

اگر هنگامی دعوا میان آنها به وجود آمد آنها را به منزلتان دعوت کنید و با خونسردی و اخلاق خوب در حل اختلافاتشان بکوشید. اگر مقصري کی از آنها بود با مدارا او را پند و اندرز دهید و از طرف مقابل دلجویی کنید و او را به صبر و گذشت دعوت کنید. از عصبانیت و توهین و توبیخ و لجایز دوری کنید. در هر صورتی آنها را آشتباه داده و به منزلشان بفرستید.

به پدر و مادر داماد توصیه می‌کنم به این نکته توجه داشته که عروس شما با صدھا اميد و آرزو به خانه شما آمده تا در کنار او زندگی مستقل و آرامی داشته باشد در زندگی آنها دخالت نکنید و بگذارید زندگی مستقل تشکیل دهد. به عروستان احترام و محبت کنید تا او هم با شما چنین کند و از عروستان عیوب جویی نکنید چون هیچ کس بی عیوب نیست. در جمع از عروستان تعریف و تمجید کنید.

نتیجه گیری

ابتدا ازدواج دوران بسیار حساس است. در این دوران زوجین خواهان نوعی سلطه جویی هستند که گاه به لجبازی و کشمکش می‌انجامد و بنیاد ازدواج را در معرض خطر قرار می‌دهد به همین خاطر به یک مشاور عاقل و خیر اندیش و با تجربه نیاز دارند. بهترین کسانی که می‌توانند این نقش را ایفا کنند خانواده عروس و داماد هستند اگر آنها باتدبیر و خردمند باشند می‌توانند بزرگترین خدمت را به این عروس و داماد انجام دهند و در حل مشکلات به یاری شان بیایند.

فهرست منابع:

- امینی، ابراهیم، جوان و همسر گرینی، موسسه بوستان کتاب، ۱۳۸۹
- حسین زاده، محمدرضا، ازدواج و خانواده، چاپ مینایی، ۱۳۹۱
- کیهان نیا، اصغر، جوانان و ازدواج، انتشارات نسل نو اندیش، ۱۳۹۷
- مندلیهی، مونیکا، ۱۰۰۱ پرسش پیش از ازدواج، چاپ فیبا، ۱۳۸۶
- مرکز صبا، خانواده به سبک یک جلسه مطول مطوى در محضر مقام معظم رهبری، موسسه فرهنگی هنری ایمان جهادی ۱۳۹۳،